

بیانیه نهضت آزادی ایران به مناسبت سومین سالگرد

پیروزی انقلاب اسلامی ایران

دستاوردهای انقلاب اسلامی را حراست کنیم

حرکت نوین اسلامی در جریان مبارزات ملت ایران که از شهریور ۱۳۲۰ آغاز شده بود بعد از عبور از گذرگاه‌های مختلف و پشت سر گذاشتن جزر و مد‌ها و پیروزی‌ها و شکست‌ها، بالاخره در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ به بزرگترین پیروزی در تاریخ ملت ما دست یافت. انقلاب اسلامی با سرنگونی رژیم شاه و پایان یافتن نظام دو هزار و پانصد ساله شاهنشاهی و استیلای خارجی صفحه جدیدی در تاریخ ملت ایران باز کرد.

این انقلاب عظیم به حق جمع‌بندی و نتیجه‌گیری مبارزات پی‌گیر و مستمر ضد استبدادی و ضد استعماری ملت ایران در صد ساله اخیر است که با جنبش پیروزمند تنباکو آغاز گردید و به دنبال آن انقلاب مشروطه و قیام مسلحانه میرزا کوچک‌خان جنگلی و شیخ محمد خیابانی را پشت سر گذاشت و پس از یک دوره ۲۰ ساله از خفقان و سرکوب در شهریور ۱۳۲۰ وارد دوران جدیدی شد، دورانی که با پدید آمدن جریان‌های جدید در حرکت اسلامی و ملی و با آگاهی تازه‌ای در مردم ما همراه بود و با اوج‌گیری مبارزات ضد استعماری ملی شدن نفت، بساط استعمار انگلیس را در هم ریخت و برای اولین بار حکومت ملی دکتر محمد مصدق را روی کار آورد.

کودتای ننگین ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ دورانی از مقاومت و تلاش بود که علیرغم اختناق و سرکوب شدید، نهضت مقاومت ملی پرچم مبارزه و مقاومت را برافراشته نگه داشت. در سال ۱۳۳۹ حرکت ضد استبدادی و ضد استعماری ملت شتاب تازه‌ای گرفت. با قیام ۱۲ محرم (۱۵ خرداد ۴۲) به رهبری امام خمینی و حضور روحانیون در مبارزه مرحله جدیدی از مبارزات سیاسی - ایدئولوژیک و جهاد مسلحانه آغاز شد و بالاخره در میان طوفان کوبنده شمشیر مجاهدین و خون شهیدان و در اوج خشم توفنده ملت طومار حاکمیت طاغوتیان زمان و اربابان خارجی آنان در هم پیچیده شده، در لجنزار تاریخ مدفون گشت.

در این تلاش مستمر ملت ایران در جهت کسب استقلال و آزادی و حاکمیت اندیشه توحیدی آخرین فصل، یعنی دورانی که از قیام ۱۵ خرداد ۴۲ آغاز گردید بی شک جای خاص ویژه‌ای را دارد.

تبعید امام خمینی به ترکیه و سپس به نجف، روحانیت ایران را به مرکز این مبارزات و مقاومت‌ها کشانید. محاکمه و محکومیت‌های دراز مدت سران و فعالین نهضت آزادی ایران روشنفکران مسلمان را به صحنه مبارزه کشید.

ملت ما پس از طی یک دوره به ظاهر آرام ولی سازنده مجدداً از سال‌های ۱۳۵۰ با قدرت و نیروی

جدیدتری وارد صحنه شد. سال‌های ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۶ دوران گسترش و تعمیق فرهنگ انقلاب اسلامی به خصوص در نسل جوان و اوج‌گیری مقاومت‌ها و حماسه‌آفرینی‌های مردم دلیر ایران می‌باشد. در سال‌های ۵۶ و ۵۷ حرکت اسلامی شتاب بی‌سابقه‌ای یافت. درج مقاله توهین‌آمیز ساواک در روزنامه اطلاعات در تاریخ ۱۷ دی ۱۳۵۶ و حملات و کشتارهای وسیع بعد از آن در شهرهای قم و تبریز و یزد و سایر شهرها موجب به میدان آمدن قاطبه روحانیت و توده مردم گشت. هجرت امام به پاریس تحولی کمی و کیفی در انقلاب بوجود آورد. انقلاب اسلامی که تا آن زمان تنها قشرها و بخش‌های خاصی از جامعه را در بر می‌گرفت به تمامی شهرها و روستاها و تا دور افتاده‌ترین نقاط توسعه یافته و به یک حرکت عظیم میلیونی مردم ستم دیده و استعمار زده تبدیل گشت. میلیون‌ها نفر از مردمی که طی سالیان دراز طعم تلخ استبداد خشن را در ابعاد فرهنگی، سیاسی و اقتصادی چشیده بودند و در طی دوران سلطنت منحوس پهلوی برای مدت ۵۸ سال فشار سر نیزه و شکنجه و زندان را با گوشت و پوست و استخوان خود لمس کرده بودند، احساس خشم و کینه خود را نه در سینه‌ها، بلکه در فریادهای کوبنده خود و در تظاهرات عظیم میلیونی متبلور ساختند. از آن پس دنیا دانست که سرنگونی سلطنت پهلوی تنها شعار سیاسی یک گروه و یک قشر نیست بلکه خواست عمیق و مجدانه تمامی ملت ایران است.

عکس‌العمل مردم ما در برابر سالیان دراز استبداد و استعمار و استضعاف و استثمار به صورت شعارهای آزادی و استقلال، حکومت اسلامی (جمهوری اسلامی) منعکس گشته و بر سر همه زبان‌ها افتاد. حرکت اسلامی که تا آن زمان کم و بیش در محدوده ایران به چشم می‌خورد، با ابعاد گسترده و وسیعی در سطح جهانی مطرح شد و مسأله ایران به یکی از مهم‌ترین مسائل جهانی تبدیل گشت و ناگهان دنیا با پدیده جدیدی در قلمرو انقلابات سیاسی اجتماعی روبرو گردید.

بدون تردید ملت ایران اولین ملتی نیست که علیه ظلم و ستم استبداد شاهنشاهی و سلطه ابرقدرت‌ها و امپریالیسم‌های جهانی از شرق و غرب قیام نموده باشد و مسلماً آخرین آنها هم نخواهد بود. تاریخ جهان انقلابات فراوانی از این نوع ضبط نموده است. در عین حال انقلاب ایران از جهات عدیده، پدیده کاملاً جدیدی بود که در سده اخیر، و شاید در قرن‌های گذشته، نظیر آن کمتر دیده شده است و به دلیل ویژگی‌های خود بسیاری از تئوری‌های انقلاب را در جهان بر هم زده خط جدیدی را ارائه داد.

پیروزی انقلابات نیمه اول قرن بیستم جهان در گرو قدرتی خارجی بوده و بدین دلیل روابط بین‌المللی حاکم بر جهان، قدرت‌ها و ابرقدرت‌های ذی نفع شرقی و غربی که جهان را به قلمروهای نفوذی خود تقسیم کرده‌اند حرکت‌های انقلابی را زیر نظر خود گرفته و آنان را به عنوان ابزاری علیه قدرت رقیب در صحنه جنگ سرد جهانی به کار برده‌اند و برخی به خاطر تأمین منافع خود انقلابات را مورد معامله قرار داده‌اند. استکبار جهانی و ابرقدرت‌های شرقی و غربی علیرغم تعارض با یکدیگر در دنیای سوم و در میان ملل محروم و مستضعف جهان تبلیغ می‌کردند که کشورها ناچارند رهبری و حمایت یکی از این دو را بپذیرند و هر ملتی بخواهد از سلطه یک ابرقدرت نجات یابد چاره‌ای جز پیوستن به ابرقدرت دیگر ندارد. به عبارت دیگر ابرقدرت‌های شرقی و غربی فلسفه سیاسی «بلوک بندی جهان و ضرورت وابستگی را» مطرح می‌ساختند و در نتیجه برای بسیاری از مردم جهان این باور را بوجود آورده بودند که اگر آنها بخواهند با سلطه جهانی امپریالیسم جهان‌خوار آمریکا و یاران غربی‌اش بجنگند راهی جز توسل به سوسیال

امپریالیسم شرق و اعمارش ندارند و راه مبارزه با سوسیال امپریالیسم شرق قبول سلطه امپریالیسم غرب می‌باشد. اساس چنین فلسفه‌ای مشروعیت دادن و قبول سلطه بی‌چون و چرای ابرقدرت‌ها بر روابط بین‌المللی است که در عمل به تن دادن به سیاست موازنه مثبت، یعنی سیاست هم غربی و هم شرقی، نظیر سیاست خارجی شاه معدوم منجر می‌گردد.

انقلاب اسلامی ایران این اسطوره باطل در فلسفه سیاسی حاکم بر جهان سوم را شکست و به مردم جهان نشان داد که چگونه ملتی که ظاهراً از تمامی امکانات متداول قدرت محروم است می‌تواند مستقلاً از زیر سلطه بزرگترین قدرت‌های سیاسی - نظامی جهان بیرون آید. شاه معدوم از قدرتمندترین دولت‌های جهان سوم بود. او علاوه بر برخورداری از حمایت یک ارتش مجهز و ساواک و سیا و موساد و ... از حمایت همه قدرت‌ها و ابرقدرت‌های شرقی و غربی برخوردار بود. در انقلاب اسلامی ایران ملت قهرمان ما بدون اتکاء به هیچ دولت و یا قدرت خارجی و تنها با اتکاء به خدای لایزال و نیروی ایمان مذهبی، که در فریادهای الله اکبرش و راه‌پیمایی‌های میلیونی و پذیرش شهادت متجلی شده بود یک پارچه قیام کرد و توانست به بزرگترین پیروزی‌های تاریخ دست یابد.

چنین انقلابی و این چنین پیروزی بی‌سابقه درسی برای تمامی مردم محروم جهان سوم گشت. نشانه‌های این پیروزی بزرگ با هجرت امام به پاریس نمودار گشت.

۱۲ بهمن ۵۷ - بازگشت امام

با فرار شاه خائن از ایران، سلطنت و نظام شاهنشاهی و سلطه سیاسی خارجی، و در رأس آن آمریکا، آخرین مراحل حیات خود را پشت سر گذاشت.

بازگشت پیروزمندانه امام به ایران در ۱۲ بهمن ۵۷، بعد از ۱۴ سال ناباورترین عناصر را به پیروزی قطعی انقلاب معتقد ساخت.

با اعلام موجودیت شورای انقلاب و سپس معرفی آقای مهندس بازرگان در ۱۵ بهمن ۵۷ به عنوان نخست‌وزیر دولت موقت اولین گام‌های اساسی در راه اجرای برنامه سیاسی امام که خطوط کلی آن در پاریس اعلام شده بود برداشته شد.

معرفی کمیته‌های نفت و اعتصابات در زمان و در شرایطی که هنوز شاه بر اریکه قدرت تکیه داشت و مسئولان سیاسی و نظامی آمریکا تدارک کودتای نظامی را می‌دیدند، از قدرت‌های حساب شده‌ای در جهت اجرای تدریجی همان برنامه بود.

امپریالیسم آمریکا که تمامی بافته‌های سالیان دراز خود را رشته شده و آخرین پایگاه رژیم استبدادی یعنی ارتش شاهنشاهی را هم در معرض از هم گسیختگی می‌دید فکر کودتای نظامی و خنثی کردن انقلاب را در سر می‌پروراند. با مراجعت امام در ۱۲ بهمن ۵۷ و معرفی مهندس بازرگان در ۱۵ بهمن به عنوان نخست‌وزیر، و شتاب روزافزون حرکت اسلامی، این توطئه نیز در نطفه خنثی شد و برای دشمنان جز تسلیم بدون قید و شرط در برابر اراده ملت مسلمان ایران راهی باقی نماند.

سرانجام آخرین تلاش امرای لشکر گارد و حمله به نیروی هوایی نیز کارگر نیافتاده منجر به سقوط و فرار بختیار و پیروزی ملت در ۲۲ بهمن ۵۷ گشت.

روز ۲۲ بهمن ۵۷، که به حق از ایام الله محسوب می‌گردد، صفحه جدیدی در تاریخ ملت ایران گشود. و نه تنها طومار استبداد پهلوی، بلکه نظام ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی را در هم پیچید.

بعد از پیروزی

پیروزی انقلاب در بهمن ماه ۵۷ سلطه سیاسی استبداد داخلی و استیلاهای خارجی را از بین برد ولی این پیروزی به معنای پیروزی نهایی و کامل انقلاب نبود. زیرا رسالت انقلاب در این بود که از یک طرف بقایای نظام کهن گذشته در زمینه‌های روابط اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی از بین برود و از طرف دیگر به سوی استقرار نظام جدیدی در ابعاد سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی بر اساس جهان‌بینی توحیدی و ایدئولوژی اسلامی پیش برود.

پیروزی انقلاب در ۲۲ بهمن ماه و نابودی استبداد و سرنگونی سلطنت پهلوی و قطع استیلاهای خارجی تنها تحقق بخش اول این رسالت بود. برای انجام بخش دوم دوره‌ای انتقالی لازم بود تا مشخصات نظم سیاسی جدید دقیقاً تعیین گشته و بر اساس آن نظم مطلوب بنا شود.

حکم نخست‌وزیری مهندس بازرگان منعکس‌کننده برنامه سیاسی امام برای این دوره انتقالی است. بر اساس این حکم اولین گام رفراندوم تغییر نظام سیاسی به جمهوری اسلامی و گام بعدی تشکیل مجلس مؤسسان (خبرگان) و تصویب نهایی قانون اساسی شمرده می‌شود. قانون اساسی محتوا و شکل نظام جمهوری اسلامی، از جمله نظم سیاسی مقبول را معین کرده است و سپس گام‌های بعدی نهادهای سیاسی مملکت نظیر انتخابات رئیس‌جمهوری و تشکیل مجلس شورا و انتخاب دولت جدید به صورتی که در قانون اساسی پیش‌بینی شده است بوجود می‌آیند.

بررسی دقیق حکم نخست‌وزیری بازرگان و وظایف محوله به وی از طرف امام به خوبی نشان می‌دهد که دولت موقت مانند شورای انقلاب نهادی انتقالی و وظیفه‌دار ایجاد نظم سیاسی جدید بوده است و همانطور هم که بعد دیده شد نه دولت موقت و نه شورای انقلاب نمی‌توانستند نیازهای انقلاب را در تمامی ابعاد اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی مرتفع سازند. شورای انقلاب هم شورای مدیریت مملکت برای دوران انتقال بود و دیدیم که بعد از تأسیس مجلس و تعیین دولت جدید موضوعیت خود را از دست داد.

تنها پس از استقرار نظم سیاسی به طریقی که در قانون اساسی جمهوری تعریف شده است ممکن بود به ایجاد تحول و انقلاب اساسی در ابعاد اقتصادی و سیاسی و اجتماعی و فرهنگی بپردازیم.

به هر حال گذراندن این دوره انتقالی برای انقلاب اجتناب‌ناپذیر بود ولی این انتقال به آسانی صورت نگرفت. ابرقدرت‌ها و بخصوص امپریالیسم آمریکا و صهیونیسم و ارتجاع منطقه که از پیروزی انقلاب اسلامی ایران ضربات و لطمات سختی خورده بودند از ماه‌ها قبل از پیروزی دست به توطئه زدند و پس از پیروزی نیز ساکت ننشسته، توطئه‌های جدیدی را دنبال می‌کردند. پس از شکست و سقوط رژیم شاه و فرار بختیار، این دشمنان چهره عوض کرده برنامه‌های ضد انقلابی خود را زیر پوشش‌های جدید، و افراطی‌ترین شعارها دنبال می‌کردند. اگر تا قبل از پیروزی با شعارهای جاوید شاه در گنبد و پاوه و زاهدان و کرمان و ... به مردم حمله می‌کردند، بعد از انقلاب زیر شعار حمایت از «خلق‌های ترک و کرد و بلوچ و ترکمن و عرب؟! دفاع از منافع زحمتکشانشان و کارگران و مستضعفان» و در مواردی با اعلام

ریاکارانه و مزورانه پیروی از «خط امام» در تهران و شهرستان‌ها علیه انقلاب اسلامی به توطئه پرداختند. رویه امپریالیست‌ها در برخورد با تمام انقلابات در دنیا همین بوده است که پس از پیروزی حرکت انقلابی مردم، چهره عوض کرده زیر پوشش افراطی‌ترین شعارها و توسل به چپ‌گرایی و چپ‌نمایی علیه انقلاب توطئه می‌کنند. انقلاب ما نیز از اعمال این رویه شیطنانی بی‌بهره نمانده است.

امپریالیسم و صهیونیسم و ایادی داخلی آنها که نتوانسته بودند جلوی سقوط شاه و بختیار را بگیرند بعد از پیروزی انقلاب همه تلاش خود را در جهت جلوگیری از استقرار جمهوری اسلامی مبذول داشتند. این توطئه‌ها از معرفی مهندس بازرگان به عنوان نخست‌وزیر دولت موقت در تهران و شهرستان‌ها آغاز شد. هر بار که دولت موقت قدمی برای اجرای برنامه سیاسی امام و استقرار و تثبیت جمهوری اسلامی برمی‌داشت تحریکات و توطئه‌ها از همه طرف بالا می‌گرفت. مطالعه حوادث این دوره نشان می‌دهد که منحنی سیر تحریکات و صعود و نزول آنها دقیقاً با اقدامات دولت موقت در اجرای برنامه‌های سیاسی امام هم‌زمان و هماهنگ است. مثلاً هر قدر به زمان برگزاری فراندوم تغییر نظام نزدیک‌تر می‌شدیم تحریکات و توطئه‌ها اوج می‌گیرد پس از انجام پیروزمندانه فراندوم تحریکات موقتاً کمتر می‌شود و سپس با نزدیک شدن به انتخابات مجلس خبرگان و هم‌زمان با تصویب نهایی قانون اساسی جدید، مجدداً دامنه تحریکات و تشنجات توسعه پیدا می‌کند. با پایان یافتن فراندوم قانون اساسی، دشمنان انقلاب اسلامی مأیوس می‌گردند و دامنه تحریکات کاهش پیدا می‌کند و سپس مجدداً با شروع انتخابات رئیس جمهوری که اولین قدم در جهت اجرای قانون اساسی و ایجاد نهادهای قانونی است، تحریکات و توطئه‌ها مجدداً اوج می‌گیرد. این تناوب در سیر تحریکات هم‌چنان تا انتخابات مجلس شورا ادامه می‌یابد و هر بار با پیروزی ملت و یأس دشمنان خاتمه می‌یابد.

این تحریکات در همه مراحل به طور مستقیم و غیر مستقیم ادامه داشته اگر چه ماهیت و محتوا و نوع و دامنه آن تغییر پیدا کرده است. در طی دوره اشغال لانه جاسوسی و گروگانگیری، حمله نظامی به طبس، جنگ تجاوزگرانه عراق به ایران، تشدید درگیری‌های نظامی در کردستان، درگیری‌های مسلحانه در تهران و شهرستان‌ها، ترور شخصیت‌ها و اشخاص و انفجارات کور و یا طبق برنامه، ادامه و تشدید جنگ سیاسی - روانی و رواج بازار تهمت و افترا و شایعه‌سازی، کوشش داشت تا مانع پیروزی انقلاب یا انحراف آن گردد به خوبی دیده می‌شود. منتها عناصر و گروه‌های فعال این خط، بعد از پیروزی انقلاب خود را زیر افراطی‌ترین شعارها مخفی ساخته‌اند. البته از دشمنان انقلاب اسلامی، از راست و چپ، و ایادی آنها جز این انتظار نمی‌رفت.

اما متأسفانه عملکرد نیروهای مؤمن و متعهد به اسلام و ایران و انقلاب و وفادار به جمهوری اسلامی نیز با اشتباهاتی اساسی همراه بوده است. گروهی گرفتار برخی توطئه‌ها و وسوسه‌ها شده‌اند علی‌رغم اعتقاد به جمهوری اسلامی، ندانسته در جنگ سیاسی - روانی با این دشمنان انقلاب هم صدا گشتند. و مؤسسين و فعالين نهضت آزادی ایران را که سالیان دراز نیرو و استعداد خود را در جهت تبیین و معرفی اسلام اصیل و بسط و گسترش حرکت اسلامی در داخل و خارج کشور مبذول داشته و در پیروزی انقلاب اسلامی، متناسب با وسع خود سهیم بوده‌اند آماج تهمت و افترا قرار داده‌اند. عملکرد این دوستان علاوه بر مغایرت با معیارهای اخلاق اسلامی و قانونی آب به آسیاب دشمنان انقلاب ریخته و به همین دلیل مورد تأیید آنان قرار می‌گیرد.

نهضت آزادی ایران با تمسک به اخلاق اسلامی و اعتراف به عدم عصمت، با قاطعیت و صراحت و با شدت اتهامات بی‌اساسی را که عناصر وابسته به شرق و یا غرب (توده نفتی‌ها - مارکسیست‌های آمریکایی) علیه نهضت تبلیغ می‌نمایند و تلاش دارند تا مشی نهضت را در «خط براندازی نظام جمهوری اسلامی» معرفی نمایند تکذیب نموده و چنین توطئه‌ای را محکوم می‌نمایند.

نهضت آزادی ایران بر اساس اعتقاد راسخ به مبانی جمهوری اسلامی و تعهد به حفظ دستاوردهای انقلاب، بیان کمبودها، نواقص، اشکالات و ایرادات دولت مردان و مقامات مسئول را وظیفه شرعی خود می‌داند. امر به معروف و نهی از منکر و توصیه به حق و انتقاد را در جهت حفظ انقلاب و جلوگیری از انحراف و انهدام آن ضروری و واجب می‌شمارد.

نهضت آزادی ایران، بر طبق اصل دوم مرامنامه خود، قانون اساسی جمهوری اسلامی را که در فروردین ۱۱ و ۱۲ آذر ماه ۵۸ به تصویب نهایی اکثریت مردم ایران رسیده است سندی با اعتبار و پایه استوار وحدت ملت و حکومت می‌داند و اجرای دقیق و همه جانبه اصول مندرج در آن را لازمه حرکت جامعه به سوی وضع مقبول شمرده، قبول و اجرای برخی از اصول قانون اساسی و انکار برخی دیگر را محکوم و مطرود می‌داند.

نهضت آزادی ایران به روش جذب و تزکیه اسلامی اعتقاد دارد و جو سیاسی کنونی کشور را که با روش‌های مبتنی بر تضاد و تهمت و افترا و حذف نیروهای معتقد به انقلاب ولی غیر وابسته به جریان سیاسی حاکم و طرد متخصصین وفادار به جمهوری اسلامی آلوده شده است برای استقرار جمهوری اسلامی و منافع و مصالح مملکت زیان‌بخش و خطرناک می‌شمرد.

در این مورد حضرت آیت‌الله منتظری رسماً در پیام‌های اخیر خود اعلام کرده‌اند که:

«بسیار شنیده می‌شود برادرانی که در صداقت و حسن نیتشان شکی نیست ناخودآگاه تحت تأثیر جو کاذب و القائات مرموزی واقع می‌شوند که نتیجه‌ای جز تشدید جو سوءظن و بی‌اعتمادی عمومی و منزوی نمودن افراد متدین اعم از روحانی و غیره که سال‌ها در خط امام بوده و لحظه‌ای در انجام وظایف انقلابی چه قبل و چه بعد از پیروزی انقلاب کوتاهی ننموده‌اند، نخواهد داشت. این گونه برخوردها، صحنه کار و فعالیت را از افراد مؤمن به انقلاب اسلامی و فداکار خالی می‌کند و در نتیجه به جای آنان، افرادی فرصت‌طلب، متملق و غیر معتقد به مکتب و انقلاب، منافق گونه جایگزین او می‌شوند و در نهایت انقلاب از درون به پوچی و انفجار کشیده خواهد شد و نسل جوان مسلمان و متعهد به جای گرایش به اسلام خالص و اداره انقلاب و کشور، جذب گروه‌های منحرف و وابسته می‌شوند و این امر چیزی جز خواست دشمنان اسلام را در بر نخواهد داشت در همین رابطه مسئولیت افراد مؤمن مسلماً بیشتر از دیگران خواهد بود. آنان باید با در نظر گرفتن مصالح و آینده انقلاب و به کارگیری قاطعیت و پرهیز از محافظه‌کاری در برابر جریان‌ات و جوهای مسموم و تندروی‌های جاهلانه مقاومت کنند».

«... افراد یک بعدی و تندرو خیال نکنند به اسلام خدمت می‌کنند، آنان ناخواسته و چه بسا با حسن نیت زمینه را برای انحراف و سقوط اصل انقلاب فراهم می‌نمایند و با اعمال جاهلانه و خارج از قانون خود پرستیژ جمهوری اسلامی را در دنیا مشوش می‌سازند و این امر گناهی بس بزرگ است».

«... زیان ناشی از عملکرد این گونه افراد تک بعدی و تندخوی، کمتر از زیان دشمنان اسلام نخواهد بود. اینان با پاک‌فطرت و حسن نیت خود عملاً به ادامه و گسترش انقلاب ضربه می‌زنند و در حقیقت دوستان نادان خطرناک‌تر از دشمن دانا خواهد بود».

«بر همه ما لازم است ناخودآگاه تحت تأثیر سوابق و جریان‌های شخصی جوها و عصبانیت‌ها قرار نگیریم و از میل و خواست درونی خویش به خاطر اسلام و انقلاب بگذریم.» (۱۶ دیماه ۱۳۶۰)

«...نباید از نقش عوامل نفوذی دشمن که منافقانه و فرصت‌طلبانه خود را مکتبی و در خط امام جا زده‌اند غافل ماند. اینان قهراً می‌کوشند جو سوءظن و بدبینی را در بین نیروهای مؤمن و اصیل انقلاب تشدید کنند و مهره‌های خود را پس از خالی نمودن پست‌های حساس از افراد مؤمن و متعهد به کارها بگمارند تا بتوانند به شکل پیچیده‌ای، فرصت‌ها را از میان برده و نارضایتی تدریجی و عمومی را به ارمغان بیاورند.»

«... کسانی که با جوسازی و بدنام نمودن افراد متدین خودآگاه و یا ناخودآگاه به این جریان خطرناک کمک می‌نمایند، بدانند که عملاً آب به آسیاب دشمن می‌ریزند.» (۱۱ بهمن ۱۳۶۰)

این مواضع مورد تأیید کامل نهضت آزادی ایران می‌باشد و امیدواریم در آستانه چهارمین سال پیروزی انقلاب مقامات رسمی و دولت مردان و دست‌اندرکاران در نهادها و مؤسسات این توصیه‌های ارزنده را ارج نهاده به کار بندند.

نهضت آزادی ایران وجود امنیت‌های قضایی، شغلی، سیاسی و اجتماعی را که بر طبق موازین شرعی و قانونی برای مردم تضمین شده‌اند شرط اصلی و اساسی بقای جمهوری و تداوم انقلاب و پیروزی‌های بعدی دانسته و امیدوار است وعده مقامات قضایی مملکت در این مورد تحقق یابد.

نهضت آزادی ایران معتقد است اجرای دقیق و کامل اصول فصل چهارم قانون اساسی درباره مسائل اقتصادی برای تداوم انقلاب شرطی لازم و حیاتی است.

به نظر ما، تعیین قلمرو، ضوابط و شرایط مالکیت در بخش‌های دولتی، تعاونی و خصوصی برای تقلیل بحران اقتصادی و تثبیت و رشد و شکوفایی کشاورزی و صنعت ضروری است. ادامه وضع نامشخص کنونی، بلا تکلیفی و هرج و مرج حاکم بر روابط اقتصادی بحران موجود را در دو محور رکورد و تورم تشدید کرده زیان‌های جبران ناپذیری به اقتصاد کشور وارد می‌سازد.

پس از پیروزی انقلاب، دشمنان به موازات توطئه‌های سیاسی و نظامی در بعد اقتصادی نیز نبرد موزیانه‌ای را با ما آغاز کردند تا از تثبیت این جمهوری نوپا جلوگیری کنند و کوشیدند با تحریکات، اعتصابات و کم‌کاری در مراکز تولید و دامن زدن به خودسری‌ها و هرج و مرج در روابط اقتصادی تولید داخلی را به تعطیل بکشانند. هماهنگ با کارشکنی‌های داخلی، محاصره اقتصادی توسط دشمنان انقلاب آغاز گشت تا ملت انقلابی ما را از پای درآورد.

هموطنان عزیز: انقلاب اسلامی ما راهی طولانی پیموده و راهی طولانی‌تر در پیش دارد. انقلاب سنگرهای بزرگی را فتح و پیروزی‌های عظیمی را کسب نموده است.

ملت دلیر ایران تعهد سنگین اجرای اسلام و ایجاد جامعه مقبول اسلامی را به عهده گرفته است. افکار عمومی دنیا و دیدگان مستضعفین جهان به ویژه مسلمانان تحت ستم، همه متوجه ایران است تا ببینند چگونه این ملت از عهده این تعهد بزرگ برخواهد آمد. پیروزی ما در استقرار واقعی جمهوری اسلامی و حکومت عدل الهی، نه تنها تداوم انقلاب اسلامی در داخل و پیروزی ایران که پیروزی عظیم اسلام در سطح جهانی خواهد بود. همان طور که اشتباهات و ندانم کاری‌ها و خدای نکرده شکست ملت ما مانعی بزرگ در راه حرکت اسلامی در سطح جهان خواهد گشت. در سومین سالگرد انقلاب اسلامی ایران بکوشیم تا با

الهام گرفتن از مکتب انسان‌ساز اسلام بار دیگر وحدت همه جانبه اقشار ملت را که عامل اصلی پیروزی انقلاب در ۲۲ بهمن ۵۷ بوده، زنده سازیم. در جهت حفظ و تداوم انقلاب توطئه‌های قدرت‌ها و ابرقدرت‌ها، خصوصاً امپریالیسم آمریکا و صهیونیسم را علیه جمهوری اسلامی ایران در هم بکوبیم و پیروزی نهایی و همه جانبه را ممکن و میسر سازیم.

نهضت آزادی ایران